

۱۴۱ - ارباب فانی سال کیم دبیرستان - معنی بیت های در سن چهارم (میرعلدار)

- ای غم، حق لامرد ناتوان من فدای تو باد / من تحمل تشنگی را ندارم

۲۶ = ۹ - نگاه کن که چه اندازه اندوهگین و دل سوخته ام / در فکر قطره ای آب نا آرام شده ام

- کوچه ی بن ناتوان رحم کن / جز تو پرستاری ندارم

- ای سکینه، آرام و قرار را از جادم گرفتی / جز اشک چشمم، جایی نشانی از آب ندارم

- ای گل باغ خسین، در این صحرا بجز اشک تو چشم - آب دسترس ندارم

- ای فریاد پر حیدر دای عزیز من / ای کسی که نیردی بازیم از توست و از جانم از چندتری / مشکلی بردار و به سوی میدا برد

- ای ابن سحر که مرا منت بی رحمی است / پر حرم ستم به دست تو استوار شد

- فرزانه برترین مردم، حسین، آن شاه بلند مرتبه همین گفت:

- هر چه دید - همان شامس گناهکارم و تو را سرکش را سباه کرده ام، (ناخرانی پیش کرده ام)

- کودکان من چه گناهی کرده اند / که باید در کنار آب عازی جان سپارند؟ (پرسش انکاری)

- ای عباس دادار، روی ستم با توست / بر روی حسین، آن امام تشنه لبان، گلو:

- اگر سر سر جهان را هم آب غراب گیرد / شاهین من برتر برنده منم (شمارای کشم)

۲۷ - مگر آنکه بیعت یزید را بپذیری / تا به کوردانست در میدان جنگ آب هم

ای پروردگار چه باید بگویم؟ با سرساری چه گویم؟ / چه سومی - آن شاد گویم؟ / نام لال است (عربی برای گمشده)

ای اورد چشم، عباس، عیسی نباش / ای برادر عزیز، چرا ایشمانت استکبار است؟

عدای جهانیان حق برای گیرد / ای عزیز، تو شرفنده حسین باش

ای راز دست آن سینه که هر دو مرتبه در خون تو / با هم از این دشت و صحرا سوی دشت روی سر گویم

- از شمشیر بریده و گشوده بگردان و این طایفه بی ایمان / و از ستم دشمنان در میان خاک خون گشته منجم
 - ای عجمای دای سپهسالار دلیر / ای کسی که چشم ستارگان همانند تو ندیده است (همایندی)

۱۸ - ای برادر عزیز / پرچم را پشت سر اردت استوار در دست گیر
 - وقتی پرچم پادشاهی من برپا شود / در میدان بلاد مصیبت با من همراه شو

- دست دشمسیر را از خون دشمن رنگین کن (دلبرایه جنگ کن) / پشت به پشت برادرت بجنگ
 - تا جان در بدن دارم، از تو جدا نمی شوم / اگر جانم را ندانم، عوشا بخت و سزدستی که از آن برخوردارم

- اگر از من دور افتادی، به سویم بیای / از سکر فاصله بگیر و در کنار همیشه مرا جستجو کن
 - وقتی از تو جدا شوم، شمشیر بر آن فرود بیا که فرود آرد / این اوضاع را در لرزون کن؛ شاید بتوانی مرا پیدا کنی

- شاید وقتی جستجو کردی، مرا غلظیده در خاک و خون پیدا کنی / یک لحظه از روی لطف و مهر با من کنار بستر من جای بگیر
 - بگذار تا مانند او در بهار گریه کنم / بر بار روز جدایی دستم از آن از یکدگر گیر، از سنگ هم ناله بر می خیزد (بیت از سعدی است)

ای گزند آسوده از همیشه و آبرو (بی آبرو) / برگزوی با یانی خود نام اسلام گذاشتید

۱۹ - ای قوم من فرزندی ما بر همت / حسین سردر است و من در ستاراد همت / از گشته شد هیچ باکی ندانم / شهادت میرا بهرام است
 ای جلوه گاه شکستها، ای حاکم ولایت / ای پیر تاهار من ای رفیق علی

ایان بدن ای عمر بن سعد مستکار / روز ستایر آشکارا بر ما نایال شد / عباس حسین که علی طلوع در نور حسنته، سوی تاریکی رفت
 ای خیزد ای جهان، از عباس شیر خشکین بودی کن - سزاد شکم بر من که در - نوری که آشت / و جهان در سیاهی می رود
 سپاه کینه هو، در این انتقام ثواب حمله کنید / میان در برادر فاعله بینارید

در آن آسخت و تشنه بگردن آمد / هوامزدی و غیرت را بس